

# مکتب رفتارگرایی

(جان واتسون)

## در آموزش و تربیت انسانی

### چه نقشی دارد؟

جان واتسون (۱۸۷۸-۱۹۵۸) متولد آمریکا جریان فکری رفتارگرایی را بنیان نهاد.

رفتارگرایی مکتبی از مکاتب روانشناسی است که در آن جریانات یک کنش رفتاری است. بدین معنا که داده های به دست آمده را می توان با فعالیت انجام گرفته آزمایش شوندگان بیان کرد هر مقدار فعالیت زیادتر باشد و فعالانه تر باشد به همان مقدار اندازه گیری رفتار نیز در قیاسی بالاتر خواهد بود.

برای بیابان بسیار ساده نتایج بررسی رفتار در دانش آموزان

می تواند نشان دهنده یادگیری یا عدم یادگیری باشد.

در روانشناسی یادگیری رفتارگرایی رویدادهای قابل مشاهده ارزش و اعتبار دارد و داده های مغزی قابل استناد نیست. این رفتار فرد در موارد متفاوت است که نشان می دهد به چه مرحله ای از یادگیری دست پیدا کرده است و همان رفتار مشاهده شده است که می تواند اندازه گیری شود و در مورد آن بحث کرد و برای آن راه حل ارائه داد.

در مکتب رفتارگرایی تعریفی که از یادگیری می شود

«(یادگیری یعنی تغییرات نسبتاً پایدار که در اثر تجربه حاصل شود)»

پس با این تعریف از یادگیری تمامی تغییرات دیگر از جمله تغییرات ژنتیکی یا رسی یا بدنی نمی تواند یادگیری محسوب شود. تنها رفتار است و تغییرات رفتاری است که یادگیری محسوب می شود.

## سایر تحقیقات در این مکتب

در این مکتب افرادی چون ایوان پالوف روسی و بی اف اسکینر و ثرندایک تحقیقاتی مفصل انجام دادند که تکمیل هر چه بیشتر این مکتب کمک کرده است.

اینک پایه های اصلی مکتب رفتارگرایی بر عقاید و تحقیقات بی اف اسکینر بنا نهاده شده است.

در مراحل اولیه و همزمان با تحقیقات اولیه واتسون ثرندایک و پالوف و اسکینر نیز در همین راستا با همان رویکردهای واتسون مشغول به تحقیقات آزمایشگاهی شدند و توانستند کارهای باارزشی را انجام دهند. ایوان پالوف در آزمایشگاه خود شرطی شدن کلاسیک را ابداع کرد.

## شرطی شدن کلاسیک

در این تحقیقات آنچه برای پالوف معلوم شد به شرح زیر است:

۱. با توجه به اهمیتی که واتسون به یادگیری پاسخ های قابل اندازه گیری در مقابل محرکها اهمیت می داد تحقیقات ایوان پالوف نیز در این راستا باعث شد تا یادگیری شرطی را بنانهد و رویدادهای قابل اندازه گیری را اندازه بگیرد و اعلام کند که می تواند در یادگیری ها اثر داشته باشد.
۲. پالوف گفت یادگیرها را می توان در قالب تغییرات با آزمایش و خطا بهتر کرد و نتایج بهتری به دست آید.

در همین راستا روانشناس آمریکا اسکینر (۱۹۰۴-۱۹۹۰) ندای رفتارگرایی را دریافت کرد و مفاهیم تقویت مثبت و تقویت منفی را را به روانشناسی رفتارگرایی وارد کرد و شرطی شدن عامل یا کنش گر را بنیان نهاد.

## شرطی شدن عامل

در این نوع رفتار گرای و یادگیری رفتاری تاکید اصلی اسکینر بر تقویت نکات مثبت رفتار و خاموش کردن نقاط منفی که تقویت منفی نیز نام گذاری کرده است .

فرق اساسی شرطی شدن کلاسیک با شرطی شدن عمل یا کنشگر این است که :

در شرطی شدن کلاسیک فرد در یادگیریهای خود مجبور به پیش بینی است اما در شرطی شدن عامل ، یادگیری را با حالتی انتخابی یا یاد می گیرد یا یاد نمی گیرد و این نکته است که اهمیت را به یادگیریهای از طریق شرطی شدن عامل داده است . در شرطی شدن عامل است که محرک باعث واکنش های خاص در ارگانیسم می شود .

در هر کدام از دو نوع شرطی شدن نکاتی معلوم است :

در شرطی شدن کلاسیک اصول زیر مطرح است :

۱. اصل مجاورت ۲. اصل همزمانی ۳. شرطی شدن اثر ۴. شرطی شدن وارونه ۵. شرطی شدن تاخیری و چندین مورد دیگر که هر مورد برای رفع نقیصه ای از یادگیریها کار آبی دارد .

در شرطی شدن عامل یا کنشگر نیز اصول زیر مطرح شد:

۱. اصل کوشش و خطای دوره ای ۲. اصل تقویت مثبت ۳. اصل تقویت منفی یا خاموشی موارد منفی ۴. نظریه وابستگی را می توان نام برد .

در انواع تقویت که تقویت کننده های اولیه و ثانویه مطرح است باعث به وجود آمدن نظام های یادگیری شد که از آن جمله می توان به

الف) با استفاده از نظام هماهنگ ژتونی یا طرح پته ای برای رسیدن به یادگیریها می توان کمک گرفت.

ب) با استفاده از اصل کنش گری یادگیرندگان می توان یادگیری برنامه ای (زنجیری) را پایه ریزی کرد .

## یادگیری برنامه ای یا زنجیره ای:

یادگیری است که در آن کنش گر تا مرحله ای از یادگیری را کاملا یاد نگرفته باشد و در آن کاملا تبصر پیدا نکرده باشد نمی تواند به مرحله ای دیگر ارتقا پیدا کند . این همان آموزش تمام و کامل است که می توان از یک موجود انتظار داشت .

در همین نوع آموزش است که تعالی برای یادگیرندگان رخ می دهد و خود انتخاب می کند که این مطلب را بیاموزد یا نیاموزد و در تعیین آنها مختار است .

این همان یادگیری است که رفتار گرایان بر آن تاکید دارند . در تایید این مطلب همین نکته بس است که واتسون می گوید:

(ده دوازده چرخه از خانواده های متفاوت به من برسد و در اثر یادگیری با شخصیت های متفاوت را در آینده ببینید که از این

افراد تربیت کرده ام)

این نکته شاید نفی کننده آزادیهای شخصی ، انتخاب ، خودمختاری باشد .

با این نوع از یادگیریهاست که می توان روشهای حساسیت زدایی و گروه درمانی و خانواده درمانی را انجام داد و از آنها نیز نتیجه ای خوب به دست آورد .

علی محمدی

سرگروه پایه پنجم ابتدایی آموزش پرورش منطقه زیویه

منابع :

کتاب روان شناسی عمومی دکتر حمزه گنجی

روان شناسی عمومی اسپنسر اراتوس ترجمه دکتر حمزه گنجی